

بررسی چند واژه‌ی دخیل روسی در گویش کتولی



حسین شکی*

* پژوهشگر فرهنگ،
ادبیات و تاریخ کتول

چکیده

میان ایالت استرآباد و روسیه به علت هم‌جواری، همیشه روابط زبانی گسترده‌ای وجود داشته است. از جمله در گویش استرآبادی شاهد واژه‌های فراوان هستیم که به‌طور مستقیم از زبان روسی وام گرفته شده‌اند، در حالی که نشانی از آن‌ها در زبان فارسی معیار، یا در بسیاری از گویش‌های مناطق دیگر ایران به چشم نمی‌خورد.

ما در این مبحث به بررسی همین دسته از واژه‌های دخیل روسی می‌پردازیم. بسیاری از این واژه‌ها هنگام ورود به گویش استرآبادی (و به تبع آن در گویش کتولی) دچار تغییرات معنایی و آوایی گوناگونی نیز شده‌اند. ما در این مقاله سعی کردیم تا با تکیه بر لغات «کتولی» و هم‌چنین با کمک گرفتن از گویشوران این منطقه، فهرستی از واژه‌های دخیل روسی در این گویش را گردآوری کنیم و سپس به بررسی تغییرات معنایی و آوایی هر یک از آن‌ها بپردازیم.

واژگان کلیدی: گویش کتولی- واژه‌های دخیل- زبان روسی



مقدمه

فرآیند وام‌گیری واژگانی یکی از راه‌های گسترش و غنایافتن زبان‌ها و گویش‌هاست. این فرآیند به‌طور معمول در روابط میان زبان‌های معیار مورد بررسی قرار می‌گیرد، در حالی که گویش‌های زیرمجموعه‌ی زبان‌های معیار نیز ممکن است واژگانی را به‌طور مستقیم از زبان‌های دیگر وام بگیرد؛ به عبارت دیگر، ممکن است در گویش‌های محلی به واژگان دخیلی برخورد کنیم که در زبان معیار اثری از آن‌ها نباشد. چنین فرآیندی را می‌توان در میان گویش‌های ایرانی حاشیه‌ی دریای خزر و زبان روسی مشاهده کرد. استان‌های گیلان، مازندران و گلستان، به علت هم‌جواری با سرزمین‌های روس‌زبان و مراودات، نسبت به دیگر گویش‌های ایران، ارتباطات زبانی گسترده‌تری با زبان روسی داشته‌اند و به همین دلیل، شمار واژگان دخیل روسی در آن‌ها نسبت به سایر گویش‌ها بسیار بیشتر است. در این مقاله تلاش شده تا تعدادی از واژگان دخیل روسی در گویش کتولی جمع‌آوری و تنظیم شود و دگرگونی‌های احتمالی «معنایی» و «آوایی» هر واژه که در طی فرآیند وام‌گیری رخ داده است، مورد بررسی قرار گیرد. واژگان دخیل روسی در گویش کتولی (کتول یکی از هفت بلوک ایالت استرآباد بوده است) را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

الف) برخی از این واژه‌ها مختص گویش کتولی یا استرآبادی نیست و در زبان معیار فارسی نیز به‌کار می‌روند. از جمله‌ی این واژگان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «آرادال (پاسبان) - اشکاف (کمد دیواری) - بانکه (ظرف شیشه‌ای دهن‌گشاد) - پوت (واحد قدیمی سنجش وزن معادل ۱۶/۳۸ کیلوگرم) - چفتار (= چتوار - چتول، واحد سنجش مایعات معادل ۱۲۵ میلی لیتر) - چُتکه (= چرتکه) - چرمدان (= چمدان) - سَلات (= سالدات به معنی سرباز روسی) - خاموت (= بخشی از یراق حیوانات بارکش که روی گرده‌ی آن‌ها قرار می‌گیرد) - فَنر (= فانوس) - کفال - کیلکا - گالش - گروان (= گیروانکه - واحد سنجش وزن) - لُتکا (= قایق) - استکان - سماور - لمپا (= لامپا - چراغ نفتی) - ماتشکه (= دختر زیبا، دختر بیش از حد بَزک کرده)

درباره‌ی واژه «گروان» به معنای «واحد سنجش وزن، معادل ۴۱۰ گرم»، که برخی فرهنگ‌های فارسی، ضمن اشاره به ریشه‌ی روسی آن، این واژه را به صورت «گیروانکه» ضبط کرده‌اند. «نکته‌ی جالب توجه این‌که، این واژه با واژه‌ی هندی قدیم و واژه‌ی فارسی جدید «گران» (به معنای سنگین) مرتبط است، که با نمونه‌ی جالبی از فرآیند «وام‌گیری معکوس» روبه‌رو هستیم؛ به این معنی که روس‌ها ابتدا این واژه را از فارسی وام گرفته‌اند و سپس واژه‌ی روسی دوباره به شکل‌های مختلف وارد زبان فارسی و گویش‌های آن شده است.»

در باره‌ی روسی بودن ریشه‌ی واژه‌ی «ماتشکه» که در فرهنگ‌های فارسی به صورت «ماتشکا» و «ماتوشکا» ضبط شده است، اتفاق نظر وجود دارد. «احتمال می‌رود این واژه از سوغات معروف روسیه که به شکل چند عروسک چوبی است که درون یکدیگر قرار



می‌گیرند، اخذ شده باشد. روی این عروسک‌ها بیشتر چهره‌ی زیبای دختری با گونه‌های سرخ نقاشی می‌شود و تشبیه دختران بزک کرده به این عروسک‌ها بسیار محتمل است. نکته‌ی جالب توجه دیگر آن است که برخی از این واژه‌های دخیل، در ترکیب با تکواژهای فارسی، خود به منبعی برای واژه‌سازی و پیدایش واژه‌های جدید تبدیل شده‌اند. برای مثال در گویش استرآبادی و مازندرانی، از واژه‌ی دخیل «لُتکا» با افزودنِ پسوند «چی» اسم فاعلِ «لُتکاجی» به معنی «قایقران» ساخته شده است. یا واژه‌ی «پوتی» (به معنای ظرف حلبی) از افزودنِ پسوند «ی» به واژه‌ی روسی «پوت» پدید آمده و به ظرفی با گنجایش یک پوت (۱۶/۳۸ کیلوگرم) اطلاق می‌شود. ب) گروه دیگر واژه‌های دخیل روسی در گویش کتولی، واژه‌هایی را دربر می‌گیرد که نشانی از آن‌ها در زبان فارسی معیار دیده نمی‌شود و به احتمال زیاد به‌طور مستقیم از زبان روسی وارد گویش استرآبادی شده و در نتیجه به دلیل هم‌جواری و مراودات کتولی‌ها با استرآبادی‌ها، در مجموعه‌ی واژگان کتولی قرار گرفته است.

۱- پابه‌گوز **Pa-be-guz**: این واژه در مازندرانی به صورت «پابلوس» به دو معنی به کار می‌رود: الف) نوعی وسیله‌ی بازی ساخته شده از تکه‌ای پوستِ پشم‌دارِ گوسفند به اندازه‌ی سکه‌ی دوربالی که زیر آن سرب می‌بندند که در کتولی به آن «لنگه‌وازی» و نوعی از آن را «پابه‌گوز» می‌نامند. ب) سیگار. این واژه وام گرفته شده از روسی است که خود ریشه‌ی لهستانی دارد و به صورت «پاپیروسا» تلفظ می‌شد، سپس به علت مشابهت آوایی به صورت «پابلوس» در مازندرانی و «پابه‌گوز» در گویش کتولی درآمده است.

۲- پراخوت **Peraxut**: به معنی «کشتی» این واژه‌ی روسی از دو جزء «پرا» (= بخار) و «خوت» (= حرکت) ساخته شده است و به معنی کشتی که با بخار حرکت می‌کند.

۳- سمشکه **Semeske**: در گویش کتولی و برخی دیگر از گویش‌های شمال به معنای «تخم آفتاب‌گردان» به کار می‌رود و از واژه‌ی روسی «سیمشکا» به همین معنی، گرفته شده است.

۴- سُت **Sot**: به معنای «بُرس» از واژه‌ی روسی «سُتکا» اخذ شده است.

۵- سیچاس **Siccas**: این واژه در کتولی به معنای «خرید نقدی - دست به‌نقد» به کار می‌رود. این واژه از کلمه‌ی روسی «سیچا» به معنی «الآن، همین حالا» اخذ شده، که احتمالاً اهالی استرآباد و کتول در جریان داد و ستدهایشان با روس‌ها، این واژه را برای اطلاق به معامله‌ای که وجه آن باید «همین الان» پرداخت شود، به کار می‌بردند.

۶- شبرو **Sebro**: این واژه در اکثر فرهنگ‌های فارسی به نام «چرم بز» ضبط شده است، ولی این واژه در گویش کتولی به معنای «کفش چرمی» یا «کفش نوک تیز قرمز» به کار می‌رود.

۷- کلوش **Kalos**: در گویش کتولی، استرآبادی و مازندرانی، این واژه با همین تلفظ معنایی مترادف با «گالش» دارد. این واژه در روسی نیز به معنای «کفش پلاستیکی که معمولاً روی کفش دیگر پوشیده می‌شود» به کار می‌رود. با آن‌که در فرهنگ‌های فارسی «گالش» را وام‌گرفته از زبان فرانسوی می‌دانند، ولی به علت وجود واژه‌ی «کلوش» در گویش‌های کتولی و استرآبادی، بسیار



محتمل است که این واژه در این مناطق، مستقیماً از روسی وام گرفته شده باشد. ۸- منات Menat: این واژه در گویش‌های کتولی و استرآبادی به گونه‌ای از گردن‌بند و سینه‌آویز اطلاق می‌شود که اغلب سکه‌هایی به آن آویخته شده باشد. واژه‌ی «منات» به معنای «پول و مسکوک» نیز در میان بازرگانان کتولی و استرآبادی رواج داشت. خود واژه‌ی روسی با واسطه‌ی moneta لهستانی، از moneta لاتین مشتق شده است.

نتیجه

با بررسی‌های انجام‌شده بر روی واژه‌های دخیل روسی در گویش کتولی و استرآبادی، می‌توان به نتایج کلی زیر دست یافت:

الف) اکثر واژه‌های دخیل روسی، در زمینه‌های معیشتی مردم بود، و مواردی از قبیل نام «ابزارها، پوشاک و خوراک» را دربر می‌گیرد.

ب) در بعضی از وام‌واژه‌ها یا واژه‌های دخیل روسی، معنای اولیه‌ی آن کلمه به‌طور کلی در گویش کتولی تغییر یافته است. مثل «سیچاس» و «منات».

ج) واژه‌ای مانند «سَلات = سالدات = سرباز روس» در گویش کتولی و استرآبادی، در کنار معنای اصلی خود، معنای مجازی نیز به‌خود گرفته است. این واژه در موقعیت‌های مختلف به «آدم‌لابالی، زورگو و خشن» نیز اطلاق می‌شود.

د) در مواردی شاهد پدیده‌ی وام‌گیری معکوس هستیم. همانند واژه‌ی «گروان» که روس‌ها آن را از زبان فارسی وام گرفته‌اند و سپس واژه‌ی روسی شده، دوباره از طریق فرآیند وام‌گیری وارد گویش‌های کتولی و استرآبادی شده است.

ه) در برخی موارد، در گویش‌های کتولی و استرآبادی، با استفاده از واژه‌ی دخیل روسی، کلمات مرکب جدیدی ساخته شده است که در آن‌ها، واژه‌ی بیگانه، با تکواژهای فارسی ترکیب شده و واژه‌ی تازه‌ای را به‌وجود آورده است. مانند: «لُتکاجی» - «پوتی»

و) هنگام ورود واژه‌های دخیل روسی به گویش کتولی، تغییرات آوایی و معنایی گوناگونی در آن‌ها پدید آمده است که گاه آن واژه را از تلفظ اصلی‌اش در زبان روسی، دور می‌کند.

بانکا banka (روسی) ← بونکه bonke (تلفظ کتولی شده‌ی واژه‌ی روسی)
«بانکا» در روسی به معنی «ظرف شیشه‌ای دهان‌گشاد» است، ولی در گویش کتولی با تغییر معنایی، «به ظرف پلاستیکی مخصوص نگهداری شیر و آب» اطلاق می‌شود.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- انوری، حسن. (۱۳۸۳). فرهنگ بزرگ سخن (۸ جلدی). تهران: سخن. (ج ۶، ص ۶۳۲۴).

- معین، محمد. (۱۳۶۰). فرهنگ معین (۶ جلدی). تهران: امیرکبیر. (ج ۳، ص ۳۵۰۹).

ب) مقالات

- صادقی، علی اشرف (۱۳۸۴). «کلمات روسی در زبان فارسی». مجله زبان‌شناسی، سال ۲۰، شماره ۲. صص ۴۶-۴۲.